بررسی نقش کشاورزی در توسعه‌ی روستایی

(مطالعه‌ی موردی: بخش میانکنگی سیستان)

حمید شایان (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد ، نویسنده مسؤول)
shayan34@ferdowsi.um.ac.ir
خدیجه بوذرجمهری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
azar@ferdowsi.um.ac.ir
محمودرضا میرلطفی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
mmirlotfi@yahoo.com

چکیده

کارکرد اصلی مناطق روستایی در جهان سوم، کشاورزی، است و به دلیل تـأثیر ویـژه آن بـر اشتغال، تعدیل فقر و درآمد، امنیّت غذایی و خودکفایی، از اهمیت بالایی برخـوردار اسـت. ایـن پژوهش به بررسی نقـش کشـاورزی (بـه عنـوان متغیـر مسـتقل) در توسـعه‌ی روسـتایی (متغیـر وابسته)بخش میانکنگی سیستان می‌پردازد. روش تحقیق، از نوع توصیفی ـ تحلیلـی و بـر مبنـای داده‌های جمع آوری شده از پرسش‌نامه‌ی اسـتاندارد روسـتا و خـانوار مـی‌باشـد. بـرای تحلیـل داده‌ها از آزمون‌های هم‌بستگی و تحلیل چند متغیره متناسب با هدف تحقیق استفاده شده اسـت. حجم جامعه‌ی نمونه ۳۷۲ سرپرست خانوار در چهل روستای نمونـه بـوده اسـت کـه بـا روش تخصیص متناسب به صورت تصادفی به دست آمده است. ضـریب تغییـرات چهـار بعـد تـوان کشاورزی نشان می‌دهد که بعد اجتماعی با ضریب ۰/۱۲ همگن‌ترین و بعد تولیدی بـا ضـریب ۰/۳۵ ناهمگن‌ترین بعد است. بین ابعاد توسعه‌ی روستایی نیـز بعـد اجتمـاعی بـا ضـریب ۰/۱٤ همگن‌ترین و بعد اکولوژیکی با ضریب ۰/۲٦ ناهم‌گن‌ترین بعد است. آزمون هم‌بستگی بـین دو متغیّر مستقل (توان کشاورزی) و وابسته (توسعه‌ی روسـتایی)، رابطـه‌ی معنـاداری را نشـان داده است. براساس تحلیل چند متغیره، بعد تولیدی به تنهایی ٤۰/۳ درصد از تغییـرات متغیـر وابسـته (توسعه‌ی روستایی) را تبیین نموده است. در مجموع ابعـاد چهارگانـه‌ی تـوان کشـاورزی ٥۲/٤ درصد از تغییرات توسعه‌ی روستایی را بیان کرده است. نتیجه‌ی تحلیل چند متغیره بعد تولیـدی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۲ تاریخ تصویب:۱۳۸۸/۱۲/۲۵

– به عنوان مهمترین و اثرگذارترین بعد – نشان میدهد که سرانهی درآمد خالص به تنهایی ۲۷/۳ درصد و عملکرد گندم ۷/۵ درصد واریانس توسعهی روستایی را تبیین میکند. این مسأله ضرورت توجه و برنامه ریزی شاخصهای مهمِ بعد تولیدی کشاورزی را یادآور میشود.

کلیدواژهها: توان کشاورزی، توسعه روستایی، بخش میانکنگی، سیستان.

درآمد

بسیاری از محققان و مورّخان شکلگیری عمده تمدّنهای بشری را پیرامون محور کشاورزی و زراعت دانستهاند. با گسترش تمدن بشری، فعالیّتهای کشاورزی با توجه به ماهیت ساختاری خود در مناطق روستایی(شکوری، ۱۳۸٤: ۷) به عنوان کارکرد اصلی معرفی شده است، و در بین دیگر کارکردهای روستا ـ مانند سکونتی، فرهنگی ـ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مهمترین کارکرد اقتصادی، به ویژه برای کشورهایی که منابع معدنی اساسی ندارند، محسوب میشود(Mater studiorum,2008:12). همچنین ارتباط بیواسطه و متقابل دو پدیدهی "کشاورزی و روستانشینی" سبب شده، گاهی اوقات مفاهیم "توسعه کشاورزی" و "توسعه روستایی" به صورت مترادف به کار برده شوند(زاهدانی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱٥٤).

بیتوجهی روزافزون به بخش کشاورزی از یک سو و رشد جمعیت از سوی دیگر، سبب شده تا وضع زندگی روستاییان روزبهروز بدتر شود. به طور مثال تقریباً هفتاد و پنج درصد مردم فقیر کشورهای در حال توسعه در نواحی روستایی زندگی میکنند(Whelan, 2003:1) و یا براساس برآورد صندوق بینالمللی توسعهی کشاورزی(ایفاد) از هر ده تن فقیر در جهان هنوز هفت تن ساکن روستا هستند(فائو، ۱۳۸۲: ٥۲). به همین سبب، بیشتر برنامهریزان توسعه درصدد کاهش ابعاد عقبماندگی و توسعهی مناطق روستایی هستند. بدینجهت، توسعهی روستایی، راهبردی برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر(Oecd 5,2001:5) و کشاورزی، به عنوان کارکرد اصلی روستا، نقش مهم در فقرزدایی دارد(Meijerink,2007:47). در این راستا گروهی همچون آندرسون، هایامی و همکارانش، در سال ۱۹۸٦ حمایت از کشاورزان را در کشورهای جهان سوم نوعی جهتگیری سیاسی داده و دلیل حمایت از بخش کشاورزی را در اقتصاد سیاسی بسط دادهاند(رحیمی، ۱۳۷۹: ۹۰). از سوی دیگر مخالفان راهبرد

کشاورزی اعتقاد دارند پایین‌بودن بهره‌وری، وجود نیروی انسانی مازاد و عدم توان جذب این نیروها توسط بخش کشاورزی نهایتاً سبب بروز پدیده مهاجرت از روستا می‌شود (سینگ،۱۳۸۲:۲۲٤). اما تجربه‌ی کشورهای صنعتی غرب در مراحل صنعتی‌شدن این نکته را مورد تأکید قرارداده است که توسعه‌ی اقتصادی در مراحل اولیه‌ی خود، جز از طریق تکیه بر کشاورزی و بالابردن بهره‌وری آن و گسترش رشد از این بخش به سایر بخش‌های اقتصادی امکان‌پذیر نبوده است. چین و تایلند دو نمونه‌ی موفق الگوی توسعه براساس تکیه بر بخش کشاورزی هستند. چینی‌ها می‌گویند کشاورزی اساس کار است و صنعت عامل پیش برنده (همتی، ۱۳٦٦: ٤۲).

به اعتقاد بیشتر صاحب نظران، کشاورزی در سطوح مختلف دارای نقش‌های مهم و اساسی است. از جمله، داشتن سهم عمده در رسیدن به اهداف توسعه‌ی هزاره‌ی سوم(توسعه‌ی پایدار و کاهش فقر)، درآمدزایی فقرای روستایی کشورهای در حال توسعه (Whelan, 2003:7)، ایجاد امنیت غذایی(گیلیس، ۱۳۸۵: ۱۰)، کاهش مخارج غذایی در بودجه‌ی خانوار(رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۰)، تغییر ساختار اقتصاد مصرفی به ساختار اقتصاد تولیدی(قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، استفاده مناسب از زیرساخت‌های جغرافیایی در نواحی روستایی(فرانسیس و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۹۵)، وابستگی عمیق با منابع طبیعی و اثرگذاری بر پایداری محیطی، کاربربودن بخش کشاورزی(رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲) و زمینه‌ساز فعّالیت‌های غیرکشاورزی در روستا و ناحیه(Dallhamer.2007:43) است. علاوه براین، در فرآیند توسعه‌ی ملی می‌توان به دیگر نقش‌های کشاوری همچون: کمک به توسعه‌ی سایر بخش‌ها از طریق ایجاد مازاد اقتصادی(تأمین سرمایه، تأمین انرژی و مواد اولیه صنایع دستی و صنعت)، کمک به تأمین سرمایه در رشد اقتصادی، کمک به تأمین منابع ارزی، کمک به ذخیره نیروی کار، کمک به بازار کالاهای صنعتی(شکوری، ۱۳۸٤: ۷)، نیل به خودکفایی کشاورزی به منظور جلوگیری از زیر سلطه قرارگرفتن، تغییر جهت منطقی مهاجرت در سطح کشور و بخش‌های مختلف(قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، نقش توریستی کشاورزی در مناطق روستایی(فیروزنیا، ۱۳۸۲: ۲۷٤) اشاره کرد.

در سطوح فراملی نیز سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی به دنبال رسیدگی به وضعیت فقرای روستایی و فقرزدایی در این نواحی هستند. در این راستا با حمایت از فقرا و

ارتقای بازده نیروی کار(Baylis,2008:75)، ترویج رشد همه جانبه با تأکید بر کشاورزی، به عنوان موتور اصلی رشد روستایی، و ایجاد اتحاد میان تمام افراد ذی‌نفع یعنی مشارکت کامل و گسترده کشاورزان توجه دارد(وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸٤: ۸۰). بانک توسعه‌ی آسیایی نیز عنوان نموده است: در دهه‌ی پیش رو، توسعه کشاورزی و روستایی، حیاتی‌ترین نقش را در ریشه‌کن نمودن گرسنگی و فقر در آسیا ایفا خواهد کرد (http://www.Rostairan.ir).

صاحب‌نظران توسعه مانند لوییس امرج[۱]، جون رابینسون[۲]، نیل اسملسر[۳]، مایکل تودارو[٤]، روستو[٥]، آرتور لوئیز[٦]، عبیدالله خان[۷]، درادی[۸] و روزن اشتاین ـ رودن[۹] – با احتساب روستا به عنوان بخش مهمی از جامعه‌ی زیستی کشورها، راه توسعه‌ی اقتصادی کشورها (با نگاه کلان) و توسعه‌ی روستایی (با نگاه خرد) را در توسعه‌ی بخش کشاورزی دیده‌اند. در این راستا بر اثرات عمده‌ی بخش کشاورزی همچون کاهش بیکاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تعدیل فقر، بالابردن سطح و کیفیت زندگی و...، و همچنین تعادل توسعه بین نقاط شهری و روستایی تأکید نموده‌اند(مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۷ ؛ مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ٦۹ ؛ ازکیا، ۱۳۸٤: ۷۰ ؛ تودارو، ۱۳٦٤: ۹۷ و ٤٥٥ ؛ آسایش، ۱۳۷۵: ٦۸ ؛ جیروند، ۱۳۷۵: ۹۳ ؛ پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳ ؛ شاکری، ۱۳۸۳: ۱۱۱ ؛ سایفی، ۲٦:۲۰۰۸).

با توجه به ادبیات بیان شده، اهداف تحقیق حاضر سنجش توان کشاورزی و سطح توسعه‌ی روستایی، آزمون رابطه و تحلیل تأثیرتوان کشاورزی بر سطح توسعه‌ی روستایی بخش میانکنگی سیستان است.

ضرورت تحقیق

منطقه‌ی سیستان با وجود زمین‌های حاصل‌خیز، آب فراوان و درک بالای مردمان آن از محیط طبیعی، از سه هزار سال پیش از میلاد یکی از مناطق کشاورزی مهم، آباد و ثروتمند در شرق ایران بوده است. هولدیچ ـ عضو گروه تعیین سرحد به سرپرستی سایکس، در سال ۱۲۸۵ ه. ش نیز به آبادانی و ثروت‌های آن عهد سیستان اشاره می‌کند و می‌گوید: سیستان در قدیم انبار گندم آسیا بود(افشار سیستانی، ۱۳٦۹: ۱۳۱۷).

سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد از جمعیت ۷۳۲۵٤ تنی ناحیه، ٦٦۳۵۲ تن (۹۱ ٪) در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. تعداد بهره‌برداران کشاورز منطقه ۹۹۵۸ تن، یعنی ٦۷/۸۵ درصد، خانوارهای ساکن‌اند که به صورت عمده معیشت آنها از طریق کشاورزی تأمین می‌شود. بنابراین، کارکرد اصلی منطقه، کارکرد اقتصاد کشاورزی آن است که در نقش‌های تولیدی، تبدیلی و مبادله‌ای به هم گره خورده و نظام اقتصادی روستاها را شکل می‌دهد(یاسوری، ۱۳۸٦: ٤۹). در این بین، کشاورزی قدیمی‌ترین و اثرگذارترین فعالیت اقتصادی بخش میانکنگی است. روند افزایشی ۲۳ درصدی هم در کل جمعیت و هم بهره برداران کشاورزی منطقه طیّ دوره ۸۵–۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی ۱۳۷۵و ۱۳۸۵ و سرشماری‌های کشاورزی ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲) نشانه‌ی وابستگی شدید جمعیت به کشاورزی است.

همچنین موقعیّت منطقه‌ی مورد مطالعه در نوار مرزی شرق ایران و همسایگی آن با کشور عقب‌مانده‌ی افغانستان، شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرده است، زیرا افغانستان با منابع تنش و مشاجره‌ای زیاد با همسایگانش می‌تواند به عنوان رکورددار معرفی شود، که البته با توجه به عدم ثبات سیاسی(حکومتی) لازم در این کشور، بیشتر این منابع تنش در حال حاضر به صورت پنهان هستند. اهم این منابع عبارت‌اند از: حقابه هیرمند، محاط بودن افغانستان در خشکی، وجود گروه‌های شرور و تحریک اقوام، مواد مخدر، پناهندگان افغان و تبعات منفی حضور آنها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی مناطق مرزی، تفاوت نظام‌های سیاسی درایران و افغانستان(کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱٥٤ـ ۱۳۹). بنابراین توسعه‌ی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد مرزنشینان از طریق فعّالیت‌های سالم اقتصادی به ویژه بخش گسترده‌ی کشاورزی، حمایت و سرمایه‌گذاری دولت، بر کارکرد امنیّتی و ارتباطی مرز تأثیر مثبت دارد. لذا برای تحقق توسعه‌ی پایدار که متضمن، تقویت هویت و اقتدار و امنیت ملی خواهد بود، ضرورت دارد تا مناطق دورافتاده و محروم در سطح ملی در اولویت قرار گیرند(شایان، ۱۳۸۳: ۷۲).

روش تحقیق، جامعه‌ی آماری ونمونه

پژوهش حاضراز نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و نیز روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی در روستاهای نمونه انجام پذیرفته است. عمده اطلاعات گرفته شده در سطح جامعه‌ی نمونه، به صورت تکمیل پرسشنامه نهایی پس از تأیید آن در مرحله‌ی کارشناسی و نیز در مرحله‌ی پیش آزمون(روایی) بوده است. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزارهای اگسل وSPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره آلفای کرونباخ با دامنه‌ی صفر تا یک استفاده شده است. که میزان آن برای متغیر مستقل(توان کشاورزی) ۰/۸۱۹ و برای متغیر وابسته(توسعه‌ی روستایی) ۰/۷۳۲ می‌باشد.

جامعه‌ی آماری شامل ۱۲۲۰۷ خانوار ساکن در ۱۹۷ روستای بالای بیست خانوار بخش میانکنگی بوده است. حجم روستاهای نمونه بر اساس فرمول شارپ و کوکران و فرمول تصحیح(سرایی، ۱۳۷۱: ۱۲۹ و ۱۳۷) چهل مورد تعیین شد.

$$n=\frac{Nt^2s^2}{Nd^2+t^2s^2} \quad و \quad n=\frac{n'}{1+\frac{n'}{N}}$$

که درآن، n حجم نمونه، t درجه‌ی اطمینان در سطح ۹۵ درصد(برابر با ١/٩٦)، d احتمال خطا برابر با ۰/۰۵، N حجم جامعه (۱۹۷) و s پیش برآورد واریانس جامعه با استفاده از پرسشنامه‌های مرحله‌ی پیش آزمون است. تعداد روستاهای نمونه در دهستان‌ها با استفاده از روش تخصیص متناسب(براساس تعداد روستای دهستان) در جهان آباد ۱۰، دوست‌محمد ۱۳، قرقری ۹ و مارگان ۸ مورد مشخص شد. روستاها پس از کدبندی با استفاده از نرم افزار mini-tab به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه خانوارهای ساکن در روستاهای با جمعیت بیست خانوار و بیشتر از فرمول کوکران استفاده شد (حافظ نیا، ١٣٨٤: ١٤٠).

$$n=\frac{\frac{t^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}\left(\frac{t^2pq}{d^2}-1\right)}$$

که در آن، n حجم نمونه، t درجه اطمینان در سطح ۹۵ درصد(برابر با ۱/۹٦)، p درجه‌ی احتمال وجود صفت برابر با ۰/۵، q درجه احتمال عدم وجود صفت برابر۰/۵، d احتمال خطا برابر با ۰/۰۵ و N حجم جامعه برابر با ۱۲۲۰۷ می‌باشد. در نتیجه حجم نمونه (n) برابر با ۳۷۲ به دست آمد. برای تعیین حجم نمونه نیز به تفکیک دهستان و روستاهای نمونه از روش تخصیص متناسب (براساس تعداد خانوار روستا و دهستان) استفاده شده است.

خصوصیات منطقه‌ی میانکنگی

بخش میانکنگی[1] با وسعت ۱۰۰۹ کیلومتر مربع در شمال شرق منطقه‌ی سیستان واقع شده است. جمعیت آن، ۷۳۲۵٤ تن با تراکم نسبی ۷۲/٦ تن در کیلومتر مربع، در یک نقطه‌ی شهری(دوست‌محمد) و سیصد روستا ساکن هستند (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی: ۱۳۸۵). آب وهوای آن با میانگین سالانه ۲۲/۱ درجه‌ی سانتی‌گراد، بارندگی ۵۹/٦ میلی متر و وجود بادهای ۱۲۰ روزه، گرم و خشک است. اما وجود شعب پر آب رود هیرمند و اراضی حاصل‌خیز، این محدودیت را کم‌رنگ و فرصت بسیار مناسبی را برای بخش کشاورزی ایجاد نموده است.

ترکیب کشاورزی منطقه شامل زراعت، پرورش دام و طیور، تولید گل‌خانه‌ای و پرورش ماهی است. زراعت و دامداری و پرورش طیور به صورت تلفیقی، اقتصاد عمده خانوارهای روستایی را تشکیل می‌دهد، و فعّالیّت‌های دیگر به دلیل فراهم نبودن بستر مناسب، گسترش نیافته اند.

از مجموع ۳۲٦۸۳ تن کشاورز شهرستان زابل، ۳۰/٤۷ درصد در بخش میانکنگی زندگی می‌کنند. از مجموع ۹۹۵۸ بهره‌بردار تعداد ٦٦۰۲ تن(٦٦/۳۰درصد) در فعّالیّت‌های زراعی و مابقی در دیگر فعّالیّت‌ها نظیر پرورش دام، ماکیان و...مشغول‌اند. بخش صنعت به لحاظ کمی و کیفی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد، به گونه‌ای‌که فقط ۱٦۹تن یا ۱/۳۳ درصد از کل شاغلان بخش(۱۲٦۸۱تن) در بخش صنعت(عمدتاً: قالی بافی، پرده بافی و سوزن دوزی) مشغول به کارانـد و فقط ۲۰/۱٤ درصد از شاغلان منطقه در بخش خدمات به کار مشغول‌اند.

یافته‌های تحقیق

برای دست‌یابی به هدف اصلی تحقیق، معرفه‌های تـوان کشـاورزی و توسـعه‌ی روسـتایی مـورد آزمون‌های مناسب قرار گرفته‌اند. در این تحقیق با توجه به فضای خـاص فعّالیّـت کشـاورزی ناحیـه و همچنین با درنظرگرفتن چند مشخصه‌ی اساسی همچون واقع‌گرایی، اتکاء بـر قابلیـت‌هـای محیطـی و همه سونگری در برنامه‌ریزی کشاورزی(نوری، ۱۳۷۹: ۱۰) معرفه‌های مبـیّن تـوان کشـاورزی در چهـار بعد اجرایی، اجتماعی، ساختاری و تولیدی ارزشیابی و آزمون شده اند(شکل و جدول ۱).

شکل ۱: ابعاد و شاخص‌های ارزشیابی توان کشاورزی



با لحاظ رهیافت کلی نگر* مبتنی برضرورت دید جامع در درک و تحلیـل ابعـاد بـوم‌شـناختی ـ محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسعه (Shepherd, 1998: 6)، و ملحـوظ داشـتن دیـدگاههای نظـری، معرفه‌های سطح توسعه‌ی روستایی در سه ابعاد تعیین، اندازه گیری مورد تحلیل قرار گرفته اند(شـکل و جدول ۲).

---

*Holestic Approach

شکل۲: ابعاد و شاخص های ارزشیابی توسعه‌ی روستایی



مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمرات کمی ابعاد مختلف، حاصل میانگین نمرات شاخص‌های مختلف هر بعـد(بـا مقیـاس لیکرت) در تک تک روستاهاست. همچنین با توجه به دامنه‌ی نمرات ابعـاد و متغیـر وابسـته و مستقل، روستاها در یک طبقه بندی خوشه ای(با نرم افزارSPSS) به سه طبقه تقسیم بندی شده-اند(جدول ۱ و ۲).

جدول ۱: طبقه بندی توان کشاورزی روستاها به تفکیک ابعاد(۱۳۸۷)

روستا	بعد اجرایی	طبقه	بعد ساختاری	طبقه	بعد تولیدی	طبقه	بعد اجتماعی	طبقه	توان کشاورزی	طبقه	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
نظر گرگیچ	۲/۱۴	۲	۱/۵۷	۳	۲/۱۷	۲	۲/۸۹	۳	۲/۱۹	۲	۰/۵۴	۰/۲٤٦۲
زورآباد	۲/۲۹	۲	۲/۱۴	۲	۲/۳۳	۲	۳/۲۲	۲	۲/۵۰	۲	۰/۴۹	۰/۱۹٦۷
قجر بارانی	۳	۱	۳/۴۳	۱	۳/۸۳	۱	۲/۷۸	۳	۳/۲۶	۱	۰/۴۷	۰/۱٤۳٦
حاجی میرزا خان	۲	۲	۲	۲	۱/۳۳	۳	۳	۲	۲/۰۸	۲	۰/۶۹	۰/۳۲۹۸
جهان آباد سفلی	۲/۱۴	۲	۲	۲	۱/۸۳	۳	۳/۲۲	۲	۲/۳۰	۲	۰/۶۳	۰/۲۷۳۱
حسین اربابی	۳/۷۱	۱	۱/۸۶	۲	۲	۲	۳/۴۴	۲	۲/۷۵	۱	۰/۹۶	۰/۳٤۹۰
ده پهلوان	۲	۲	۲/۱۴	۲	۱/۸۳	۳	۲/۸۹	۳	۲/۲۲	۲	۰/۴۷	۰/۲۱۰۲
جانی	۲/۵۷	۲	۱/۷۱	۳	۲	۲	۳	۲	۲/۳۲	۲	۰/۵۸	۰/۲٤۸۱
حاجی ملک	۲/۷۱	۲	۲/۲۹	۲	۱/۶۷	۳	۳/۱۱	۲	۲/۴۴	۲	۰/۶۲	۰/۲۵۳۰
شیخ علم	۲	۲	۱/۸۶	۲	۲/۱۷	۲	۳/۲۲	۲	۲/۳۱	۲	۰/۶۲	۰/۲٦۸۳
حاجی عباس خان	۲/۴۳	۲	۲	۲	۲/۳۳	۲	۳/۱۱	۲	۲/۴۷	۲	۰/۴۷	۰/۱۸۸۹
محمد یوسف رودینی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۳/۵۶	۱	۲/۳۹	۲	۰/۷۸	۰/۳۲٥٦
رخشانی	۲/۷۱	۲	۲/۱۴	۲	۱/۶۷	۳	۳/۸۹	۱	۲/۶۰	۲	۰/۹۶	۰/۳٦۸۱
قوس الدین	۲/۴۳	۲	۲	۲	۱/۳۳	۳	۳/۶۷	۱	۲/۳۶	۲	۰/۹۸	۰/٤۱٦۸
حنیف	۲/۸۶	۱	۱/۵۷	۳	۲	۲	۳/۷۸	۱	۲/۵۵	۲	۰/۹۸	۰/۳۸۲۸
شهرک گل بیک	۲/۴۳	۲	۱/۷۱	۳	۱/۸۳	۳	۳/۳۳	۲	۲/۳۳	۲	۰/۷۴	۰/۳۱۷۹
حاتم	۲/۱۴	۲	۲/۵۷	۲	۳/۵۰	۱	۴	۱	۳/۰۵	۱	۰/۸۵	۰/۲۷۷۷
سارانی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۵۶	۳	۲/۱۴	۲	۰/۲۸	۰/۱۲۹۹
عیدوسهراب	۲/۲۹	۲	۲/۴۳	۲	۲/۵۰	۲	۳/۲۲	۲	۲/۶۱	۲	۰/۴۲	۰/۱٦۰۳
جما	۲/۲۹	۲	۱/۵۷	۳	۱/۳۳	۳	۲/۷۸	۳	۱/۹۹	۲	۰/۶۶	۰/۳۳۲۳
پودینه	۲/۵۷	۲	۳/۱۴	۱	۲/۳۳	۲	۳/۱۱	۲	۲/۷۹	۱	۰/۴۰	۰/۱٤٤۰
شهید بهشتی	۱/۸۶	۳	۲	۲	۲/۵۰	۲	۳/۵۶	۱	۲/۴۸	۲	۰/۷۷	۰/۳۱۰٤

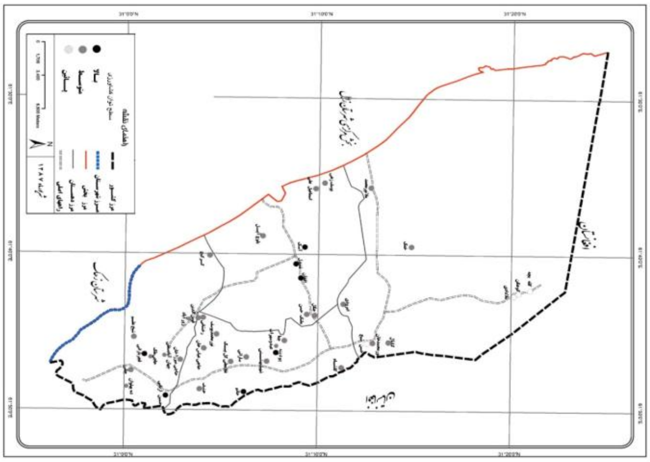
گلشاه	۲	۲	۲/۵۷	۲	۲/۵۰	۲	۳/۲۲	۲	۲/۵۷	۲	۰/۵۰	۰/۱۹۵۰
ملا نور محمد	۲	۲	۲	۲	۲/۳۳	۲	۳/۱۱	۲	۲/۳۶	۲	۰/۵۲	۰/۲۲۲۰
خمک	۲/۲۹	۲	۲	۲	۲/۱۷	۲	۳/۳۳	۲	۲/۴۵	۲	۰/۶۰	۰/۲٤٦٤
امرودی	۲/۵۷	۲	۲/۲۹	۲	۱/۶۷	۳	۲/۷۸	۳	۲/۳۳	۲	۰/۴۸	۰/۲۰۷۸
گله بچه	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۲/۴۴	۳	۱/۳۶	۳	۰/۷۲	۰/۵۳۰٦
کوهکن	۱/۱۴	۳	۱	۳	۱	۳	۳/۱۱	۲	۱/۵۶	۳	۱/۰۳	۰/٦٦۱۳
ملادادی	۱/۵۷	۳	۱/۵۷	۳	۱/۶۷	۳	۲/۵۶	۳	۱/۸۴	۳	۰/۴۸	۰/۲۵۹۸
نور محمد خان	۳	۱	۱/۸۶	۲	۱/۱۷	۳	۳/۸۹	۱	۲/۴۸	۲	۱/۲۱	۰/٤۸٦۹
حسن شیخ	۱/۱۴	۳	۱	۳	۱	۳	۲/۸۹	۳	۱/۵۱	۳	۰/۹۲	۰/۷۱۲۲
کانال	۲/۱۴	۲	۱/۸۶	۲	۱/۵۰	۳	۳	۲	۲/۱۳	۲	۰/۶۴	۰/۳۰۱۱
اسماعیل علی	۲/۴۳	۲	۲	۲	۲	۲	۳/۷۸	۱	۲/۵۵	۲	۰/۸۴	۰/۳۳
یوسف زهی	۲/۴۳	۲	۲	۲	۱/۶۷	۳	۳/۴۴	۲	۲/۳۸	۲	۰/۷۷	۰/۳۲۳۸
بلوچ آبیل	۱/۸۶	۳	۲/۴۳	۲	۲	۲	۳/۳۳	۲	۲/۴۰	۲	۰/۶۶	۰/۲۷٦٥
شندل	۲/۸۶	۱	۲/۷۱	۱	۳/۱۷	۱	۳/۲۲	۲	۲/۹۹	۱	۰/۲۴	۰/۰۸۱٦
آسک	۲/۴۳	۲	۳	۱	۳/۸۳	۱	۳/۱۱	۲	۳/۰۹	۱	۰/۵۸	۰/۱۸٦٥
ملنگ	۲	۲	۲	۲	۲/۱۷	۲	۳/۱۱	۲	۲/۳۲	۲	۰/۵۳	۰/۲۳۰۱
چکل	۲/۲۹	۲	۲	۲	۲/۵۰	۲	۳/۲۲	۲	۲/۵۰	۲	۰/۵۲	۰/۲۰۸٦
براهویی	۲/۲۹	۲	۲/۷۱	۱	۳/۶۷	۱	۳/۳۳	۲	۳	۱	۰/۶۲	۰/۲۰٦۱
میانگین کل	۲/۲۵		۲/۰۵		۲/۰۹		۳/۲۱		۲/۴۰			
انحراف معیار	۰/۵۱		۰/۵۲		۰/۷۲		۰/۳۷		۰/۴۰			
ضریب پراکندگی	۰/۲۳		۰/۲۵		۰/۳۵		۰/۱۲		۰/۱۷			

در میان چهار بعد توان کشاورزی، ضریب پراکندگی بعد اجتماعی(۰/۱۲) دارای کمترین مقدار بوده که حکایت از هم‌گونی نسبی روستاها از این نظر(بر خلاف بعد تولیدی) دارد. بیشترین ضریب پراکندگی در روستاهایی است که از توان کشاورزی ضعیفی برخوردارند. مانند حسن شیخ (۰/۷۱۲۲) و روستاهای اطراف آن که عمده آنها در شمال بخش قرار دارند. براساس طبقه‌بندی خوشه‌ای، روستاهای مورد مطالعه در سه طبقه تقسیم شدند. بدین ترتیب، ۱۷/۵ درصد در طبقه‌ی ۱ ، ۷۲/۵ درصد در طبقه‌ی ۲ و ۱۰ درصد در پایین ترین طبقه (۳) قرار گرفته‌اند.

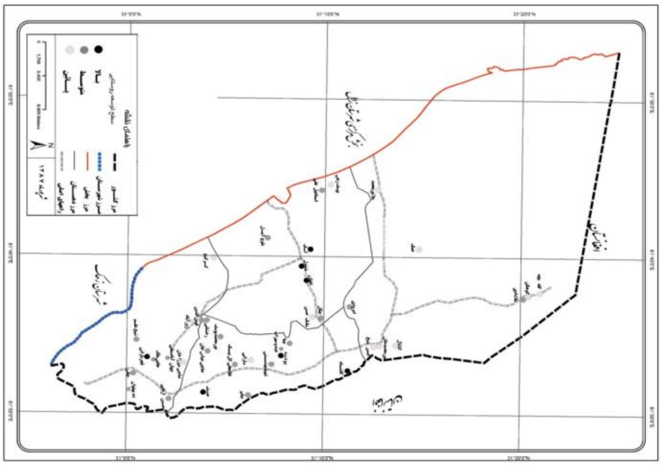
جدول شماره ۲: طبقه بندی سطح توسعه‌ی روستایی به تفکیک ابعاد(۱۳۷۸)

روستا	بعد اکولوژیکی	طبقه	بعد اقتصادی	طبقه	بعد اجتماعی	طبقه	توسعه روستایی	طبقه	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
نظر گرگیج	۱/۵۷	۳	۲/۵۶	۳	۲/۷۱	۲	۲/۲۸	۳	۰/۶۲	٠/٢٧١
زورآباد	۲/۴۳	۱	۲/۵۶	۳	۲	۳	۲/۳۳	۳	۰/۲۹	٠/١٢٥
قجر بارانی	۲/۷۱	۱	۲/۸۹	۲	۳	۲	۲/۸۷	۱	۰/۱۴	٠/٠٥٠
حاجی میرزا خان	۱/۵۷	۳	۲/۳۳	۳	۲/۵۷	۳	۲/۱۶	۳	۰/۵۲	٠/٢٤٢
جهان آباد سفلی	۲	۲	۲/۷۸	۲	۳/۴۳	۱	۲/۷۴	۲	۰/۷۲	٠/٢٦١
حسین اربابی	۲/۱۴	۲	۲/۸۹	۲	۳/۰۷	۲	۲/۷۰	۲	۰/۴۹	٠/١٨٢
ده پهلوان	۱/۷۱	۲	۲/۶۷	۲	۳/۱۴	۲	۲/۵۱	۲	۰/۷۳	٠/٢٩٠
جانی	۲/۱۴	۲	۲/۸۹	۲	۳/۰۷	۲	۲/۷۰	۲	۰/۴۹	٠/١٨٢
حاجی ملک	۱/۵۷	۳	۲/۸۹	۲	۳	۲	۲/۴۹	۲	۰/۷۹	٠/٣٢٠
شیخ علم	۱/۸۶	۲	۲/۸۹	۲	۲/۷۹	۲	۲/۵۱	۲	۰/۵۷	٠/٢٢٦
حاجی عباس خان	۲/۷۱	۱	۲/۶۷	۲	۳/۰۷	۲	۲/۸۲	۲	۰/۲۲	٠/٠٧٩
محمد یوسف رودینی	۲/۲۹	۲	۲/۷۸	۲	۳/۴۳	۱	۲/۸۳	۲	۰/۵۷	٠/٢٠٣
رخشانی	۲	۲	۳/۱۱	۲	۲/۵۰	۳	۲/۵۴	۲	۰/۵۶	٠/٢١٩
قوس الدین	۱/۷۱	۲	۳/۳۳	۲	۲/۹۳	۲	۲/۶۶	۲	۰/۸۴	٠/٣١٧
حنیف	۱/۷۱	۲	۴/۳۳	۱	۲/۸۶	۲	۲/۹۷	۱	۱/۳۱	٠/٤٤٢
شهرک گل بیک	۲/۱۴	۲	۲/۶۷	۲	۳/۷۱	۱	۲/۸۴	۲	۰/۸۰	٠/٢٨٢
حاتم	۲/۷۱	۱	۲/۵۶	۳	۳/۰۷	۲	۲/۷۸	۲	۰/۲۶	٠/٠٩٥
سارانی	۱/۸۶	۲	۱/۷۸	۳	۲/۷۱	۲	۲/۱۲	۳	۰/۵۲	٠/٢٤٥
عیدوسهراب	۲/۱۴	۲	۳/۱۱	۲	۲/۵۷	۳	۲/۶۱	۲	۰/۴۹	٠/١٨٦
جما	۲/۱۴	۲	۲/۳۳	۳	۳/۳۶	۱	۲/۶۱	۲	۰/۶۵	٠/٢٥٠
پودینه	۲/۵۷	۱	۲/۸۹	۲	۳/۴۳	۱	۲/۹۶	۱	۰/۴۳	٠/١٤٦
شهید بهشتی	۲	۲	۲/۶۷	۲	۳	۲	۲/۵۶	۲	۰/۵۱	٠/١٩٩
گلشاه	۳	۱	۳/۱۱	۲	۲/۶۴	۲	۲/۹۲	۱	۰/۲۴	٠/٠٨٤
ملا نور محمد	۱/۷۱	۲	۲/۲۲	۳	۳	۲	۲/۳۱	۳	۰/۶۵	٠/٢٨٠
خمک	۱/۸۶	۲	۲/۴۴	۳	۲/۵۰	۳	۲/۲۷	۳	۰/۳۶	٠/١٥٧
امرودی	۱/۷۱	۲	۲/۷۸	۲	۲/۸۶	۲	۲/۴۵	۲	۰/۶۴	٠/٢٦٠
گله بچه	۱	۳	۲/۴۴	۳	۳	۲	۲/۱۵	۳	۱/۰۳	٠/٤٨١
کوهکن	۱	۳	۲/۶۷	۲	۲/۹۳	۲	۲/۲۰	۳	۱/۰۵	٠/٤٧٦
ملادادی	۱/۴۳	۳	۳/۴۴	۲	۳	۲	۲/۶۲	۲	۱/۰۶	٠/٤٠٤
نور محمد خان	۱/۵۷	۳	۲/۷۸	۲	۲/۷۹	۲	۲/۳۸	۳	۰/۷۰	٠/٢٩٤
حسن شیخ	۱	۳	۲/۸۹	۲	۲/۱۴	۳	۲/۰۱	۳	۰/۹۵	٠/٤٧٣
کانال	۱/۷۱	۲	۲/۷۸	۲	۲/۶۴	۲	۲/۳۸	۳	۰/۵۸	٠/٢٤٣
اسماعیل علی	۲/۵۷	۱	۲/۸۹	۲	۲/۹۳	۲	۲/۸۰	۲	۰/۲۰	٠/٠٧٠
یوسف زهی	۲	۲	۲/۷۸	۲	۲/۲۱	۳	۲/۳۳	۳	۰/۴۰	٠/١٧٢
بلوچ آبیل	۲/۲۹	۲	۲/۴۴	۳	۲/۷۹	۲	۲/۵۱	۲	۰/۲۶	٠/١٠٢
شندل	۲/۸۶	۱	۳/۲۲	۲	۳/۷۹	۱	۳/۲۹	۱	۰/۴۷	٠/١٤٢
آسک	۳	۱	۳/۴۴	۲	۲/۵۰	۳	۲/۹۸	۱	۰/۴۷	٠/١٥٨
ملنگ	۱/۸۶	۲	۳	۲	۲/۱۴	۳	۲/۳۳	۳	۰/۵۹	٠/٢٥٥
چکل	۱/۸۶	۲	۲/۷۸	۲	۳/۰۷	۲	۲/۵۷	۲	۰/۶۳	٠/٢٤٧
براهویی	۳	۱	۳/۵۶	۱	۲/۷۱	۲	۳/۰۹	۱	۰/۴۳	٠/١٣٨
میانگین کل	۲/۰۳		۲/۸۳		۲/۸۸		۲/۵۸			
انحراف معیار	۰/۵۳		۰/۴۲		۰/۴۰		۰/۲۹			
ضریب پراکندگی	۰/۲۶		۰/۱۵		۰/۱۴		۰/۱۱			

ضریب تغییرات (cv) ابعاد توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد کـه هـم‌گـن‌تـرین آنهـا، بعـد اجتماعی با ضریب ۰/۱٤ و ناهم‌گن‌ترینشان، بعد اکولوژیکی باضریب ۰/۲٦ می باشد. در بـین روستاها، قجر بارانی در دهستان جهان آباد با ضریب پراکندگی ۰/۰۵۰ به لحاظ سـطح توسـعه یافتگی، همگن‌ترین و گله بچه در دهستان قرقری با ضریب ۰/٤٨١ ناهمگن‌ترین روستا اسـت. در این مورد نیز به لحاظ موقعیت مکانی، بیشتر ضرایب بزرگ – سـطح پـایین و نامتعـادل تـر توسعه، در نواحی شمالی بخش قرار دارند.



نقشه شماره ۱: سطح توان کشاورزی بخش میانکنگی به تفکیک روستا



نقشه شماره ۲: سطح توسعه روستایی بخش میانکنگی به تفکیک روستا

در مجموع بر اساس طبقه‌بندی خوشه‌ای، روستاهای نمونه در ابعاد مختلـف، در سـه طبقـه تقسیم شدند. در نتیجه ۱۷/۵ درصد در طبقه ۱، ۵۰ درصد در طبقه‌ی ۲ و ۳۲/۵ درصـد نیـز در طبقه‌ی ۳ قرار گرفته‌اند. بر اساس نمره استاندارد(Z) توان کشاورزی، ۳۵ روستا (۸۷/۵ درصـد) در فاصله‌ی ۱/٦٥± قرار دارند که حکایت از همگونی بیشتر روستاها به لحاظ توان کشـاورزی دارد. براساس معیار نمرات استاندارد (Z) متغیر توسعه‌ی روستایی نیـز بایـد گفـت کـه ۹۲/۵ درصد (۳۷ روسـتا) در فاصله‌ی ۱/٦٥ ± قرار دارند، که همگونی روستاها را بـه لحـاظ توسـعه یافتگی روستایی تأیید می‌کند.

تبیین رابطه توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

با توجه به ضرایب توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی در روستاهای مورد مطالعـه، میـزان هم‌بستگی دو متغیر مزبور در بالاترین سطح معناداری مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۳: هم‌بستگی توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

	توسعه روستایی	
توان کشاورزی	میـــــــزان همبستگی	۰/۷۱۸
	ســطح معنـی داری	۰/۰۰۰
	تعداد روستا	٤۰

به منظور تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی براساس ابعـاد تـوان کشـاورزی از ابعـاد تـوان کشاورزی از رگرسیون چند متغیره (روش گام به گام) استفاده شد.

جدول ۴: بعد های وارد شده (توان کشاورزی) در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی

مراحل ورود متغیرها	بُعد	R	R^2	مقدار F	Sig. F	مقدار اضافه شده به R^2	B	Beta	T	Sig. T
اول	تولیدی	۰/٦۳۵	۰/٤۰۳	۲۵/٦٤۰	۰/۰۰۰	۰/٤۰۳	۰/۱۸۸	۰/٤٦۱	۲/٤٤۷	۰/۰۰۰
دوم	اجرایی	۰/۷۱۰	۰/۵۰٤	۱۸/۷۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۰/۱٤٤	۰/۲۵۱	۱/۷۱۸	۰/۰۰۹
سوم	ساختاری	۰/۷۱۱	۰/۵۰۵	۱۲/۲٤۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۰/۰۹۰	۰/٤٤۰	۰/٦٦۳

چهارم	اجتماعی	۰/۷۲٤	۰/۵۲٤	۹/٦١٤	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۱۱۹	۰/۱٤۹	۱/۱٦۲	۰/۲۵۳

جدول شماره (٤) نتایج تحلیل چند متغیّره‌ی متغیّرهای مستقل(ابعاد توان کشاورزی) را روی متغیّر توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود مهم‌ترین متغیری که بیشترین واریانس توسعه‌ی روستایی منطقه را تبیین می‌کند، بعد تولیدی است. این متغیر به تنهایی ٤۰/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد مؤلفه‌های این بعد تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توسعه‌ی روستایی دارند. دومین متغیر بعد اجرایی است که ۱۰/۱ درصد تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. در نتیجه این بعد نیز در توسعه‌ی روستایی دارای اهمیت است. در مراحل سوم و چهارم ابعاد اجتماعی و ساختاری وارد رگرسیون شد که درصد ناچیزی از واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کنند. با ورود این دو متغیر توان تبیین الگو در مرحله‌ی آخر به ۵۲/٤ درصد رسیده است. به بیان دیگر الگوی تحقیق با چهار متغیر (بعد) ٤/ ۵۲ درصد از تغییرات توسعه‌ی روستایی را تبیین کرده است(R^2 =۰/۵۲٤).

جهت مثبت مقادیر Beta نشان می‌دهد با افزایش متغیّرهای مستقل، میزان متغیر توسعه‌ی روستایی افزایش می‌یابد. در الگوی نهایی، متغیر تولیدی بیشترین ضریب تأثیر(۰/٤٦۱) را دارد، یعنی به ازای یک واحد افزایش بعد تولیدی، متغیر توسعه‌ی روستایی به اندازه ۰/٤٦۱ واحد اضافه می‌شود. متغیر بعد اجرایی، دومین ضریب رگرسیون (۰/۲۵۱) را دارد. اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته(توسعه‌ی روستایی) با ضریب بتا، برای هر متغیر بیان شده است. در واقع از ضرایب بتا، برای تعیین میزان اثر متغیرهای مستقل روی متغیّر وابسته استفاده می‌شود، که معادله‌ی آن از این قرار است:

میزان توسعه‌ی روستایی = بعد تولیدی (۰/٤٦۱) + بعد اجرایی (۰/۲۵۱).

به دلیل اهمیت بعد تولیدی در توسعه‌ی روستایی، معرّف‌های این بعد، برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی به روش گام به گام مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۵: معرفه‌های وارد شده (بعدتولیدیِ توانِ کشاورزی) در معادله‌ی رگرسیون برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی

مراحل ورودمعرفه ها	معرف	R	R^2	مقدار F	Sig. F	مقدار اضافه شده به R^2	B	Beta	T	Sig. T
اول	سرانه درآمد خالص	۰/۵۲۲	۰/۲۷۳	۱٤/۲٤۹	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳	۰/۰۱۱	۰/۰٤٤	۰/۱۱۲	۰/۰۰۱
دوم	عملکرد گندم	۰/۵۹۰	۰/۳٤۸	۹/۸٦۹	۰/۰۰۰	۰/۰۷۵	۰/۰۸٦	۰/۲۵۵	۱/٤۸۳	۰/۰٤٦
سوم	سرانه درآمد زراعی	۰/۵۹۵	۰/۳۵٤	٦/۵۸۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰٦	۰/۰٦۲	۰/۲٤٦	۰/٦٦۱	۰/۵۱۳
چهارم	سرانه درآمد دامی	۰/٦۲٤	۰/۳۸۹	۵/۵٦٦	۰/۰۰۱	۰/۰۳۵	۰/۰٦۱	۰/۲۳۳	۱/۵٦۱	۰/۱۲۸
پنجم	عملکرد جالیز	۰/٦٤۳	۰/٤۱٤	٤/۸۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۲۵	۰/۰٤۸	۰/۱٤٤	۱/۰۰۷	۰/۲۳٦
ششم	عملکرد جو	۰/٦٤۷	۰/٤۱۹	۳/۹٦٦	۰/۰۰٤	۰/۰۰۵	۰/۰۲۰	۰/۰۹۵	۰/۵۳٦	۰/۵۹۵

جدول شماره (۵) نتایج تحلیل چند متغیّره معرّف‌های بعد تولیدیِ توان کشاورزی را روی متغیّر توسعه‌ی روستایی ارائه کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین معرفی که در عین حال بیشترین واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند، سرانه‌ی درآمد خالص است. این متغیر به تنهایی ۲۷/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح و نشان می‌دهد که تأثیر بسیاری بر توسعه‌ی روستایی دارد. دومین معرّف وارد رگرسیون، عملکرد گندم در هکتار است که ۷/۵ درصد تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. سایر معرّف‌ها با توجه به ضرایب معناداری T قابل ملاحظه نیستند. در کل توان تبیین الگوی در مرحله‌ی آخر به ٤۱/۹درصد رسیده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

کشاورزی، اساسی‌ترین کارکرد اقتصادی روستا و در تاریخ حیات خود اثرگذارترین عامل در توسعه‌ی روستایی بوده است. به‌طوری‌که عینیّت این مسأله را به روشنی می‌توان در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده کرد. تحقیق حاضر به منظور سنجش و بررسی

توان کشاورزی و رابطه‌ی آن با توسعه‌ی روستایی، چهار بعد توان کشاورزی و سه بعد توسعه‌ی روستایی را با معرفه‌های مربوط مشخص نموده است. یافته‌های استنباطی تحقیق حاکی از آن است که میان ابعاد چهارگانه‌ی کشاورزی، بعد اجتماعی، همگن‌ترین و بعد تولیدی ناهمگن‌ترین بعد و در سه بعد توسعه روستایی، بعد اجتماعی – همگن‌ترین و بعد اکولوژیکی، ناهمگن‌ترین بعد است. بنابراین توجه به بعد تولیدی کشاورزی و بعد اکولوژیکی توسعه‌ی روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است.

رابطه‌ی معنادار (sig = ۰/۰۰۰) بین توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی، نشان از نقش قابل توجه کشاورزی در توسعه‌ی روستایی منطقه دارد. به ویژه که چهار بعد توان کشاورزی نیز در تحلیل چند متغیره، ۵۲/٤ درصد از تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کنند. البته بعد تولیدی با ٤۰/۳ درصد بیشترین تغییرات واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. این مسأله نیز ضرورت توجه به بعد تولیدی کشاورزی را گوشزد می‌کند.

نتیجه‌ی تحلیل چند متغیره بعد تولیدی - به عنوان مهمترین و اثرگذارترین بعد - نشان می‌دهد که سرانه‌ی درآمد خالص به تنهایی ۲۷/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی توسعه‌ی روستایی و عملکرد گندم ۷/۵ درصد واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. بنابراین در برنامه‌ریزی محدوده‌ی مورد مطالعه، باید به رابطه و تأثیر مهم بخش کشاورزی بر توسعه‌ی روستایی توجه داشت. در این راستا، برنامه ریزان و تسهیل گران توسعه‌ی روستایی باید ضمن تأکید بر بخش کشاورزی، به ویژه ابعاد تولیدی و اجرایی آن، کانون توجه خود را معطوف به برطرف کردن چالش‌های موجود در زمینه‌ی بالا بردن سطح درآمد روستاییان، به ویژه از طریق افزایش عملکرد گندم به عنوان محصول اصلی منطقه بنمایند.

یاداشت‌ها

1. Lovis Emerkij
2. Joan Robinson
3. Neil Smelser
4. Michael Todaro
5. Rostow
6. Arthor Lewis
7. Obeydollah
8. Deradi
9. Rosenstein – Roden

توضیحات

۱. این منطقه در دهم دی‌ماه ۸۷ به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری بـه طـور رسـمی بـه شهرسـتان هیرمنـد تغییـر نـام داد (http:// www.khabarfarsi.com ، خبرگـزاری جمهوری اسلامی ایران ۸۷/۱۱/۲) ولی چون اجرای مطالعات میدانی قبل از وقوع این مسأله بوده است، لذا در این تحقیق عنوان "بخش میانکنگی" به جای "شهرستان هیرمند" به کار رفته است.

منابع و مآخذ:

۱. آسایش، حسین، (۱۳۷۵)، ***برنامه ریزی روستایی در ایران***، انتشارات پیام نور: تهران.

۲. ازکیا، مصطفی،(۱۳۸٤)، ***مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه‌ی روستایی***، انتشارات اطلاعات: تهران.

۳. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳٦)، ***سیستان نامه***، انتشارات مرغ آمین: تهران.

٤. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر،(۱۳۸۱)، ***نظریه‌های توسعه‌ی روستایی***، انتشارات سمت:تهران.

۵. تودارو، مایکل،(۱۳٦٤)، ***توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم***، ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، وزرات برنامه و بودجه: تهران.

٦. جیرونده، عبدالله، (۱۳۷۵)، ***توسعه‌ی اقتصادی*** (مجموعه عقاید)، انتشارات مولوی: تهران.

۷. حافظ نیا، محمد رضا،(۱۳۸٤)، ***مقدمه‌ای بر روش تحقیق درعلوم انسانی***،چاپ یازدهم، انتشارات سمت:تهران.

۸. رحیمی، عباس، (۱۳۷۹)، «***سیاست‌های حمایت از کشاورزی***»، انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۷.

۹. زاهدی مازندرانی، محمد جواد، (۱۳۸۲)، ***توسعه و نابرابری***، نشرمازیار: تهران.

۱۰. ______________________ (۱۳۸۳)، «***ضرورتهای کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی***»، فصلنامه اقتصادکشاورزی و توسعه، شماره ٤۵.

۱۱. سرایی، حسن، (۱۳۷۱)، ***مقدمه‌ای بر نمونه گیری در تحقیق***، انتشارات سمت: تهران.

۱۲. سینگ، جاسبر (۱۳۸۲)، ***جغرافیای کشاورزی***، ترجمه سیاوش دهقانیان و دیگران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه فردوسی: مشهد.

۱۳. شاکری، عباس، (۱۳۸۳)، «***جایگاه بخش کشاورزی***»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ٤۸.

۱٤. شایان، حمید(۱۳۸۷)، «***مکان‌یابی سکونتگاه‌های برتر بر اساس فن ارزشیابی مشارکتی در شهرستان مشهد***»، مجله جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ ۱۱.

۱۵. __________،(۱۳۸۳)، « ***تنگناهای توسعه در استانهای مرزی کشور***»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ٤۷.

۱٦. شکوری، علی، (۱۳۸٤)، ***سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران***، انتشارات سمت: تهران.

۱۷. فـائو، (۱۳۸۲)، ***کشـاورزی در جهـان بـه سـوی ۲۰۳۰- ۲۰۱۵***، ترجمـه هـومن فتحـی، موسسـه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی: تهران.

۱۸. فرانسیس، چارلز و دیگران،(۱۳۷۷)، ***کشاورزی پایدار در مناطق معتدل***، ترجمه‌ی عوض کـوچکی و جواد خلقانی، دانشگاه فردوسی: مشهد.

۱۹. فیروزنیا، قدیر و افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، (۱۳۸۲)، ***جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحبنظران***، انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران: تهران.

۲۰. قدیری معصوم، مجتبی و نجفی کانی، علی اکبـر، (۱۳۸۲)، « ***برنامه‌هـای توسـعه بعـد از پیـروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آنها بر نواحی روستایی***»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ٤٤.

۲۱. کریمی پور، یداله، (۱۳۷۹)، ***مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تـنش و تهدیـد)***، جهاددانشـگاهی دانشگاه تربیت معلم: تهران.

۲۲. گیلیس، ام و دیگران ، (۱۳۸۵)، ***اقتصاد توسعه***، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی: تهران.

۲۳. مرکز آمار ایران، ***نتایج سرشماری عمومی نفوس ومسکن***، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

۲٤. مطیعی لنگرودی، حسن، (۱۳۸۲)، ***برنامه‌ریـزی روسـتایی بـا تأکیـد بـر ایـران***، انتشـارات جهـاد دانشگاهی:مشهد.

۲۵. مهدوی، مسعود، (۱۳۷۷)، ***مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران***، انتشارات سمت: تهران.

۲٦. نوری، سیدهدایت اله، (۱۳۷۹)، «***تحلیل فضایی در جغرافیای کشاورزی***»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹.

۲۷. وزرات جهاد کشـاورزی، (۱۳۸٤)، ***راهبـرد توسـعه‌ی روسـتایی*** (رویکـرد جدیـد بانـک جهـانی)، ترجمه‌ی مؤسسه دین واقتصاد وزرات جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌هـای برنامـه ریـزی و اقتصـاد کشاورزی: تهران.

۲۸. همتی، عبدالناصر، (۱۳٦٦)، ***مشکلات اقتصادی جهان سوم***، نشر سروش: تهران.

۲۹. یاسوری، مجید،(۱۳۸٦)، ***مقدمه‌ای براقتصاد روستایی با تأکید بربخش کشاورزی***، انتشارات به نشر: مشهد.

30. Baylis , Kathy & et al. , (2008), ***Agri-environmental policies in the EU and united states***: A comparison Ecological Economics , volume 65,pp.753-764.

31. Dallhamer. Erich (2007) , ***Types of interaction between Environment rural economy*** , Society and Agriculture in European regions (TERESA), http://www.sciencedirect.com

32. OECD,(2001),***The DAC Guidelines , strategies for Sustainable Development***.

33. http://www.Rostairan.ir.

34. http://www.khabarfarsi.com.

35. Mater studiorum,Alma,(2008),***Agriculture and Rural Development policies Analysis in*** the wester Balkan countries , Bologna Italy.

36. Meijerink,Gerdien & Roza,pim,(2007),***The role of agriculture in development***: focusing on linkages beyond agriculture strategy & policy.

37. Saifi , Basim ,(2008), ***A co evolutionary model for promoting agricultural Sustainability***. Ecological Economics , volume 65. Pp.24-34

38. Shepherd, Andrew, (1998), ***Sustainable Rural Development***. London Macmillan press.

39. Whelan, susan, (2003), ***promoting sustainable Rural Development through Agriculture*** Canada making Difference in the world Canadian international Development Agency.